

تامین مالی طرح های نفت و گاز در چارچوب "جزء (۱) بند(ق) تبصره (۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور"

مهدی شاهرودی

معاونت بررسی و امکان سنجی اقتصادی و مالی طرح ها

E-mail: mrshahroudi@yahoo.com

چکیده:

با توجه به مشکلات تامین مالی طرح ها و پروژه های زیر بنایی کشور بویژه در بخش نفت و گاز و در راستای اهداف سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون گذار در جزء (۱) بند(ق) تبصره (۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور تامین مالی طرح ها و پروژه های مربوط به وزارت نفت در بخش نفت و گاز و بهینه سازی مصرف سوخت، با تاکید بر روشهای تامین مالی غیر استقراضی (سرمایه گذاری) را در نظر گرفته است.

در این مقاله ضمن مرور و بررسی مفاد بند مذکور و اثرات آن بر اجرای طرح ها و پروژه ها، معایب و مزایای ناشی از آن در بخش انرژی کشور به تفصیل مورد تحلیل قرار می گیرد.

کلمات کلیدی: تامین مالی غیر استقراضی، کاهش و جایگزینی فرآورده های نفتی، سرمایه گذاری بیع متقابل، ساخت، بهره برداری و تحویل (BOT)، پروژه های بالادستی نفت و گاز

مقدمه:

شرکت ملی نفت ایران با گستره فعالیت در بخش بالادستی نفت و گاز وظیفه تولید نفت و گاز از مخازن هیدروکربوری کشور را بر عهده دارد [۱]. با توجه به حجم بالای سرمایه گذاری مورد نیاز طرح ها و پروژه های اولویت دار توسعه میادین مشترک نفت و گاز دریا و خشکی و جمع آوری گازهای همراه نفت در برنامه چهارم توسعه (سالهای ۱۳۸۴ - ۱۳۸۸)، مشکلات بوجود آمده در تامین مالی و جذب سرمایه گذار خارجی و افزایش غیر متعارف هزینه های اجرای طرح ها و پروژه ها در نتیجه اجرای سیاست های جامعه جهانی در مواجهه با ایران طی دوره مذکور، تکمیل این طرح ها در این دوره و سالهای پس از آن میسر نگردید.

بانکها و موسسات مالی داخلی به عنوان عمده ترین منبع تامین مالی طرح ها و پروژه های سرمایه ای شرکت ملی نفت ایران طی سالهای گذشته مطرح بوده اند.^۱ از آنجا که روش تامین مالی این موسسات به روش قرضی (استقراضی) بدون هیچ گونه پذیرش ریسک در تولیدی شدن میادین نفت و گاز بوده است^۲، موسسات مذکور در سررسید درخواست بازپرداخت مطالبات را داشته اند. از طرفی به دلیل به نتیجه نرسیدن طرح ها و پروژه های تولیدی، درآمدهای شرکت ملی نفت ایران افزایش نیافت [۲] که این موضوع موجب ایجاد بحران بدهی ها طی چند سال گذشته گردیده است.

بلوکه شدن سرمایه بانکها و موسسات مالی در نتیجه سیاست غلط مدیریت نقدینگی و منابع پولی در طرح ها و پروژه های نیمه تمام صنعتی و خدماتی و نگرانی ها در خصوص سیاست های یک جانبه ناعادلانه اقتصادی از طرف جامعه جهانی علیه ایران موجب کاهش سرمایه گذاری و فعالیتهای اقتصادی و ایجاد رکود در کشور گردید. از طرفی کاهش ارزش پول ملی در مقایسه با سایر ارزهای رایج و وارداتی بودن بخشی از مواد اولیه کارخانجات، موجب کاهش ظرفیت تولید و افزایش قیمت کالا و خدمات در کشور گردید. در نتیجه این موارد، پدیده رکود تورمی شکل گرفت [۳] که در سال ۱۳۹۱ به اوج خود رسید و تا سال ۱۳۹۲ ادامه یافت.

تحقیقی که توسط جلیلی، زین الدین و دیگران [۴] صورت پذیرفت نشان می دهد که با در نظر گرفتن پارامترهای ریسک و هزینه سرمایه، روش های تامین مالی غیر استقراضی (سرمایه گذاری) نظیر بیع متقابل، ساخت، بهره برداری و تحویل (BOT) در اجرای طرح ها و پروژه های بالادستی نفت و گاز از نظر شرکت ملی نفت ایران اولویت خواهد داشت^۳. با مرور و بررسی متن جزء (۱) بند (ق) تبصره (۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور ملاحظه می شود که بر تامین مالی طرح ها و پروژه های صنعت نفت از طریق روش های غیر استقراضی تاکید گردیده است [۵]. بررسی ها نشان می دهد که در شرایط موجود، هدف هماهنگ قوای مجریه و مقننه کشور استفاده از تمامی ظرفیت های موجود در قانون [۷و۶]. به منظور ایجاد تحرک در بخش انرژی و

^۱ حدود ۵۰٪ از منابع اخذ شده از بانکها (از طریق صندوق انرژی) متعلق به بانک مرکزی بوده است. مابقی منابع مورد نیاز به طرق مختلف از محل منابع داخلی شرکت ملی نفت ایران انجام پذیرفته است. تسهیلات صندوق انرژی بدون بازدهی مناسب و مدیریت نشده به مصرف رسیده که تنها سبب ایجاد بدهی گردیده است.

^۲ بانکها و موسسات تامین مالی داخلی به دلایل گوناگون از جمله عدم آگاهی از طرح ها و پروژه های نفت و گاز و پوشش ریسک، تمایلی به تامین مالی طرح ها و پروژه ها به روش های سرمایه گذاری (غیر استقراضی) ندارند.

^۳ با توجه به انجام اقداماتی در جهت تغییر ساختار قراردادهای غیر استقراضی نظیر بیع متقابل، ساخت، بهره برداری و تحویل (BOT) و سایر روش های مشارکتی و سرمایه گذاری، استفاده از اصول و چارچوب جدید در عقد قراردادهای می بایست مدنظر قرار گیرد. همچنین مباحثی نظیر انتقال فناوری، تولید صیانتی از مخزن، سهم ساخت داخل و سهم نیروی انسانی داخلی در بهره برداری از تاسیسات در عقد قراردادهای جدید می بایست مورد توجه ویژه قرار گیرد.

اقتصاد کشور با استفاده از منابع مالی غیر استقراری قابل اتکا داخلی و خارجی، در راستای پی گیری سیاست های اقتصاد مقاومتی و خروج غیر توری از رکود می باشد.

بطور کلی می توان مطالب مندرج در جزء (۱) بند(ق) تبصره(۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور را در دو گروه:

- الف) مرتبط با طرح ها و پروژه های بالادستی شرکت ملی نفت ایران
- ب) سایر طرح های جایگزینی فراورده های نفتی و صرفه جویی سوخت

طبقه بندی نمود که در بخش بعد به تفصیل مورد بررسی و ارزیابی از نظر اقتصاد طرح، امکان پذیری اجرا، معایب و مزایا و مشکلات احتمالی قرار خواهد گرفت.

۱) طرح ها و پروژه های بالادستی نفت و گاز

در خصوص این بخش، در بند(ق) تبصره(۲) قانون بودجه ۹۳ کشور ضمن تاکید به افزایش ظرفیت تولید نفت و گاز با اولویت تکمیل توسعه میادین نفت و گاز مشترک و تکمیل طرح های جمع آوری گازهای همراه نفت، به تامین مالی طرح ها از طریق روش های غیر استقراری نظیر بیع متقابل، ساخت، بهره برداری و تحویل (BOT) و سایر روش ها اشاره شده است. تضمین خرید محصول و اجازه به فروش در داخل یا صادرات و تضمین بازپرداخت اصل سرمایه گذاری توسط دولت از مشوق هایی است که قانونگذار به منظور تشویق بخش خصوصی داخلی و خارجی در سرمایه گذاری در فعالیت های بالادستی نفت و گاز پیش بینی نموده است.

دو طرح تکمیل توسعه فازهای باقیمانده پارس جنوبی و توسعه یکپارچه میادین نفتی غرب کارون با توجه به مشترک بودن میادین و ظرفیت تولید بالا به عنوان اولویت اول تامین مالی از طریق بند(ق) در دستور کار قرار دارد. در این دو طرح، بخشی از منابع مالی مورد نیاز سرمایه گذاری در چند سال ابتدایی از طریق صندوق توسعه ملی تامین می شود. مابقی منابع مالی سرمایه گذاری مورد نیاز پس از افزایش تولید میدان، از محل بخشی از تولیدات طرح (نفت خام و میعانات گازی) در نظر گرفته شده است. همچنین بازپرداخت اصل سرمایه گذاری صندوق توسعه ملی از محل بخشی از تولیدات طرح می باشد. قابل ذکر است انجام مراحل دریافت منابع مالی و بازپرداخت تعهدات طرح از طریق شرکت بخش خصوصی (SPV)^۴ صورت می پذیرد.

^۴Special Purpose Vehicle/Entity

در روش تامین مالی ارائه شده در خصوص دو طرح مذکور، از آن نظر که بازپرداخت اصل سرمایه گذاری صندوق توسعه ملی از محل افزایش تولیدات طرح انجام می شود، مشابه طرح های بیع متقابل است؛ ولی از نظر ماهیت قراردادی با قرارداد های بیع متقابل اختلاف اساسی دارد. خاطر نشان می شود در قرارداد های بیع متقابل تعهد تولید محصول با پیمانکار بوده و کل میزان سرمایه گذاری توسط سرمایه گذار تامین می گردد و بازپرداخت سرمایه گذاری پیمانکار، در صورت رسیدن به سقف تولید تعهد شده و بر اساس قرارداد انجام می شود. همچنین هزینه ای تحت عنوان پاداش و ریسک برای پیمانکار در نظر گرفته می شود.

بررسی روش تامین مالی دو طرح تکمیل توسعه فازهای باقیمانده پارس جنوبی و توسعه یکپارچه میدان نفتی غرب کارون نشان می دهد که بخشی از سرمایه گذاری طرح ها در سالهای پایانی، به افزایش تولید طرح منوط گردیده است. این موضوع از نظر اینکه نیازی به تامین مالی از طریق موسسات مالی نبوده و بهره بانکی و هزینه کل طرح کاهش می یابد، مثبت تلقی می شود. ولیکن ریسک عدم رسیدن به سقف تولید در موعد تعیین شده با کارفرما (شرکت ملی نفت ایران) می باشد و در صورت به تولید نرسیدن طرح ها، مشکلاتی را در اجرای طرح ایجاد خواهد نمود. لذا نظارت دقیق حین اجرای پروژه در خصوص مراحل و ترتیب کارها و نحوه تخصیص و پرداخت منابع صندوق توسعه ملی به منظور تحقق افزایش تولید در موعد مقرر ضرورت می یابد.

در خصوص سایر طرح های بالادستی نفت و گاز نظیر توسعه میدان نفت و گاز جدید و نگهداشت توان تولید میدان نفتی نیز امکان اخذ مجوز سرمایه گذاری در چارچوب بند (ق) وجود دارد. ولیکن از آنجا که سهم شرکت ملی نفت ایران از صندوق توسعه ملی طی ۳ سال آینده به دو طرح مورد اشاره فوق اختصاص یافته است، تامین مالی این طرح ها از طریق روش های غیر استقراری نظیر بیع متقابل، ساخت، بهره برداری و تحویل (BOT) و سایر روش ها می باید در دستور کار قرار گیرد. همچنین امکان واگذاری توسعه و بهره برداری میدان نفت و گاز و تعهد بازپرداخت هزینه ها توسط دولت که در بند (ق) آمده است، به عنوان رویکرد جدیدی محسوب می شود. زیرا بر اساس آن، بخش خصوصی داخلی و خارجی می تواند ضمن سرمایه گذاری در بخش بالادستی نفت و گاز، بهره برداری از این طرح ها را بدون انتقال مالکیت بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی به انجام رساند. خاطر نشان می شود که این موضوع در متن طرح یک فوریتی ارائه

شده توسط مجلس شورای اسلامی در خصوص اساس نامه شرکت ملی نفت ایران در خردادماه ۹۳ نیز ملاحظه می گردد^۵[۸].

۲) طرح ها و پروژه های جایگزینی فرآورده و صرفه جویی سوخت

گازرسانی به مناطق کمتر توسعه یافته در راستای جایگزینی گاز طبیعی با فرآورده های نفتی و توسعه حمل و نقل ریلی بین شهری در راستای کاهش مصرف سوخت مایع عمده ترین طرح های مصوب این بخش است. در این روش اجرای طرح توسط سرمایه گذار انجام می شود و بازپرداخت اصل سرمایه گذاری پیمانکار از محل میزان کاهش مصرف فرآورده نفتی، پس از تایید وزارت نفت مبنی بر حصول انجام کار از نظر کمی و کیفی، پرداخت خواهد شد.

سایر طرح های بهینه سازی مصرف انرژی نظیر بهینه سازی موتورخانه ها، بهینه سازی مصرف انرژی در بخش های ساختمان و صنعت و بهسازی ناوگان حمل و نقل موتوری درون و برون شهری از دیگر طرح هایی است که در چارچوب بند(ق) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ قابلیت اجرا را دارد. همچنین توسعه CNG برای استفاده در وسایل حمل و نقل و روستاها و نقاط دور افتاده به منظور جایگزینی فرآورده می تواند مد نظر قرار گیرد.

در بحث گازرسانی، با توجه به اثر اجرای طرح در کاهش میزان تامین سوخت مایع اختصاص یافته به نیروگاه ها، صنایع و بخش خانگی- تجاری، امکان تامین منابع لازم برای بازپرداخت تعهدات به سرمایه گذاران وجود دارد. همچنین در توسعه حمل و نقل عمومی ریلی درون و برون شهری، از آنجا که حمل و نقل عمومی ریلی از نظر استفاده عمومی دارای کشش از نظر مصرف کنندگان است، امکان کاهش مصرف سوخت و تامین منابع لازم برای بازپرداخت تعهدات به سرمایه گذاران پس از اجرای طرح وجود خواهد داشت.

طرح های بهینه سازی مصرف انرژی نظیر اقدامات لازم به منظور افزایش راندمان تجهیزات و دستگاه ها در صنایع و نیروگاه ها، بهینه سازی مصرف انرژی در ساختمانها و سایر موارد، با توجه به پراکندگی و تعدد مصرف کنندگان و واحدهای خانگی-تجاری و صنعتی، نحوه محاسبه و اطمینان به حصول اهداف کاهش مصرف سوخت مایع با دشواریهایی همراه می باشد.

^۵ این طرح هنوز تبدیل به قانون نشده است، ولی در صورت قانونی شدن، مباحثی نظیر انتقال فناوری، تولید صیانتی از مخزن، سهم ساخت داخل و سهم نیروی انسانی داخلی در بهره برداری از تاسیسات در عقد قراردادهای جدید می بایست مورد توجه قرار گیرد.

لذا اجرای آنها بر اساس چارچوب بند(ق) دارای اولویت نمی باشد و در صورت انجام، می باید ساز و کارهایی به منظور شناسایی نحوه اجرا، نظارت و بازپرداخت تعهدات اندیشیده شود.

خاطر نشان می شود که در بخش جایگزینی فرآورده، اجرای طرح در بلند مدت دارای محدودیت می باشد. به عنوان مثال در صورت گازرسانی به تمامی نقاط کشور یا تجهیز کلیه مسیرهای درون و برون شهری به حمل و نقل ریلی و استفاده از گاز(CNG) در خودروها، طرح تقریباً به پایان می رسد. ولی در خصوص طرح های بهینه سازی مصرف انرژی در بخش های مختلف مصرف کننده، با توجه به تعدد مصرف کنندگان و بروز و ظهور فن آوریهای جدید، در صورت ارائه سازو کار اجرایی مناسب، امکان ادامه طرح وجود خواهد داشت.

طرح توسعه ذخیره سازی زیر زمینی گاز طبیعی در نزدیکی نقاط مصرف از جمله طرح هایی است که با ایجاد پایداری در شبکه گازرسانی کشور در زمان اوج مصرف(فصل سرد)، در کاهش سوخت مایع مصرفی نیروگاه ها و صنایع عمده در فصل سرد سال نقش اساسی بر عهده دارد. همچنین این مخازن ذخیره، امکان صادرات گاز در فصل سرد سال را نیز فراهم می نمایند [۹]. لذا به نظر می رسد طرح های ذخیره سازی زیر زمینی گاز نیز در چارچوب بند(ق) تبصره(۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ قابلیت اجرا خواهد داشت. تامین منابع مالی بازپرداخت این طرح از محل کاهش سوخت مصرفی نیروگاهها و صنایع عمده و افزایش میزان صادرات گاز در فصل سرد سال می تواند پیش بینی شود.

بحث و نتیجه گیری:

بررسی موارد ارائه شده به شورای اقتصاد در چارچوب بند(ق) تبصره(۲) قانون بودجه ۹۳ کشور که در قسمت قبل به آن اشاره شد نشان می دهد که تامین مالی به منظور تکمیل طرح های نیمه تمام نفت و گاز اولویت دار موجود به خصوص میادین مشترک از محل عایدات طرح ها و استفاده از صرفه جویی ناشی از اجرای طرح های کاهش و جایگزینی فرآورده های نفتی نظیر توسعه حمل و نقل ریلی، گازرسانی به مناطق کمتر توسعه یافته و غیره در تامین مالی این طرح ها در چارچوب بند مذکور در نظر گرفته شده است. با توجه به مشکلات تامین مالی در اجرای طرح ها و پروژه های صنعت نفت و گاز و سایر طرح های زیربنایی کشور نظیر حمل و نقل ریلی و جاده ای و پروژه های بهینه سازی مصرف سوخت، از آنجا که در تامین مالی طرح ها از روش های غیر استقراری(سرمایه گذاری) استفاده می شود، اجرای طرح ها و پروژه ها در قالب این بند موجب کاستن از مشکلات ناشی از بحران بدهی ها در دولت خواهد شد. همچنین به نظر می

رسد که اجرای بند (ق) تبصره (۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کشور با تاکید بر روشهای توام سرمایه گذاری و بهره برداری در بخش بالادست نفت و گاز و سایر بخش های اقتصاد کشور، قدمی در راستای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی (خصوصی سازی) محسوب می شود. البته اجرای این مهم با دشواریها و پیچیدگی های خاص همراه است که توجه به مواردی نظیر تسهیم ریسک سرمایه گذاری، در نظر گرفتن بازارهای بین المللی انرژی و ... از سوی سیاست گذاران حوزه انرژی کشور در جهت اجرای بهینه آن راهگشا خواهد بود.

با توجه به تامین بخشی از سرمایه گذاری و بازپرداخت طرح ها و پروژه ها از محل عواید و درآمدهای طرح مورد نظر، سیاست گذاری دقیق به منظور کنترل و مدیریت بهینه طرح ها و پروژه از نظر اجرایی و تامین نقدینگی به منظور حصول نتایج طرح ها در موعد مقرر از الزامات اجرایی تامین مالی در چارچوب بند (ق) می باشد.

فهرست منابع و ماخذ:

- [۱] قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب سال ۱۳۵۶.
- [۲] ماده ۱۲ قانون اصلاحی نفت مصوب تیرماه ۱۳۹۰.
- [۳] رکود تورمی، مهدی شاهرودی، مقاله درج شده در سایت برنامه ریزی تلفیقی.
- [۴] رتبه بندی شیوه های تامین مالی خارجی برای سرمایه گذاری در صنعت نفت، محمد جلیلی، سید مصطفی زین الدین و دیگران، فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۵] تبصره (۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کشور - (پیوست ۱).
- [۶] اصل چهل و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - (پیوست ۲).
- [۷] قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) - بند (ب) ماده ۲۱۴ - (پیوست ۳).
- [۸] ماده (۸۰) طرح یک فوریتی اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مورخ ۹۳/۳/۳، مجلس شورای اسلامی، معاونت قوانین، اداره کل تدوین قوانین.
- [۹] پایداری سیستم عرضه و تقاضای گاز کشور با بکارگیری ذخیره سازی گاز طبیعی، مهدی شاهرودی، مقاله درج شده در سایت برنامه ریزی تلفیقی.
- [۱۰] مقاله مطالعه تطبیقی قراردادهای نفتی، تالیف: محمد رضا کسمتی و احمد فرمهینی فراهانی (پژوهشگاه صنعت نفت)، ارائه در اولین همایش مدیریت پروژه - خردادماه ۸۱ - (پیوست ۴).
- [۱۱] مقاله سیر تحول تامین مالی پروژه های نفت و گاز، تالیف: دکتر مهرداد نراقی، ارائه در اولین همایش مدیریت پروژه - خرداد ماه ۸۱ - (پیوست ۴).
- [۱۲] مدیریت مالی راهبردی (ارزش آفرینی)، تالیف: دکتر هاشم نیکومرام، دکتر فریدون رهنمای رودپشتی و دکتر فرشاد هیبتی - (پیوست ۴).
- [۱۳] فرهنگ اصطلاحات تخصصی: مهندسی مالی، مدیریت مالی، تالیف: دکتر هاشم نیکومرام، دکتر فریدون رهنمای رودپشتی و دکتر فرشاد هیبتی - (پیوست ۴).

[14] Effective project management, Robert K. Wysocki with contribution by Rudd McGray. 3rd edition. WILEY

[15] NIPC website: www.nipc.net/npcnews/news67/west.htm

[16] Construction Project Administration" by Edward R. Fisk

[17] Project Management: A Managerial Approach, 5th Edition, 2003 by J.R. Meredith and S.J. Mantel John Wiley and Sons, Inc.

[18] Terminology of Public-Private Partnerships (PPPs) By David Hall (1), Robin de la Motte (1) and Steve Davies (2)

[19] Wikipedia, the free encyclopedia (internet version)

پیوست - ۱

جزء (۱) بند (ق) تبصره (۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور

در سال ۱۳۹۳ اجازه داده می‌شود:

وزارت نفت از طریق شرکتهای دولتی تابعه ذیربط برای اجرای طرحهای نفت و گاز از جمله افزایش ظرفیت تولید نفت خام و گاز با اولویت مخازن مشترک و افزایش ظرفیت پالایش نفت خام و میعانات گازی و محصولات پتروشیمی، رشد صادرات فرآوردههای نفتی و جلوگیری از سوختن گازهای همراه نفت و جایگزینی گاز داخلی یا وارداتی به جای فرآوردههای نفتی ذیربط تا سقف یکصد میلیارد (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) دلار به صورت ارزی یا معادل ریالی آن با رعایت قانون اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی اقدام به سرمایه‌گذاری به روش بیع متقابل، ساخت، بهره‌برداری و تحویل (BOT) و یا روشهای موضوع بند (ب) ماده (۲۱۴) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران با تضمین خرید محصول، اجازه به فروش داخلی یا صادرات برای بلندمدت (حداقل ده سال) قرارداد منعقد و یا مجوزهای لازم را برای سرمایه‌گذاری صادر نماید و همچنین به منظور اجرای طرحهای بهینه‌سازی، کاهش گازهای گلخانه‌ای و کاهش مصرف انرژی در بخشهای مختلف از جمله صنعت (با اولویت صنایع انرژی‌بر) و حمل و نقل عمومی و ریلی درون و برون شهری، ساختمان، توسعه استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، گسترش استفاده از CNG (با اولویت شهرهای بزرگ و مسیر راههای اصلی بین شهری) و تولید خودروهای کم‌مصرف، به وزارت نفت اجازه داده می‌شود با رعایت قانون اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی با متقاضیان و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و عمومی با اولویت استفاده از تجهیزات ساخت داخل، قرارداد منعقد نماید.

توجیه فنی و اقتصادی و زیست‌محیطی، زمان‌بندی اجراء و بازپرداخت و سقف تعهد دولت در هریک از طرحها با پیشنهاد وزارت نفت به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد.

تعهد بازپرداخت اصل سرمایه‌گذاریهای موضوع این بند به‌عهد دولت بوده و شرکت ملی نفت ایران منابع ناشی از صادرات سوخت صرفه‌جویی حاصل شده (نفت خام معادل) را در هر پروژه پس از اعلام وزارت نفت در سالهای سررسید به سرمایه‌گذار پرداخت و همزمان به حساب بدهکار دولت (خزانه‌داری کل کشور) منظور و تسویه حساب می‌نماید.

به شرکتهای تابعه و وابسته وزارت نفت اجازه داده می‌شود با رعایت قانون اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی با سرمایه‌گذار بخش غیردولتی مشارکت نمایند.

طرحهای موضوع این بند تا سقف تعهد دولت تا پانصد میلیون (۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰) دلار یا معادل ریالی آن به تأیید وزیر نفت و بیش از آن با پیشنهاد وزیر نفت به تأیید شورای اقتصاد می‌رسد.

پیوست - ۲

اصل چهل و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

نظام اقتصادی جمهور اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می شود که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.

پیوست - ۳

ماده ۲۱۴ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰)

دولت موظف است به منظور افزایش کارآمدی و اثربخشی طرحهای تملکدارائیهای سرمایه‌ای با رعایت قانون نحوه اجرای اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی اقدامات زیر را به اجرا درآورد:

نظام فنی و اجرائی مصوب ۱۳۸۵ را با رویکردهای نتیجه‌گرا و کنترل هر سه عامل هزینه، زمان و کیفیت در اجرای پروژه، تا سال سوم برنامه اصلاح و از سال چهارم به مورد اجرا گذارد.

بروش‌های اجرائی مناسب از قبیل: «تأمین منابع مالی، ساخت، بهره‌برداری و واگذاری»، «تأمین منابع مالی، ساخت و بهره‌برداری»، «طرح و ساخت کلید در دست»، «مشارکت بخش عمومی - خصوصی» و یا «ساخت، بهره‌برداری و مالکیت» را با پیش‌بینی تضمین‌های کافی به کار گیرد.

پیوست - ۴

روشهای تامین مالی خارجی

نحوه تامین مالی و تهیه بودجه اجرایی لازم برای انجام پروژه های زیربنایی و بهره برداری از محصولات و خدمات حاصل از آنها در حال حاضر به عنوان یکی از مهمترین چالش های پیش روی کشورهای در حال توسعه مطرح می باشد. با توجه به وضعیت خاص کشورهای در حال توسعه و بحران های مالی در این کشورها امکان تامین سرمایه مورد نیاز برای اجرای پروژه های بزرگ به راحتی فراهم نمی شود، لذا استفاده از راه دیگر، یعنی جذب سرمایه های خارجی در این کشورها مورد توجه قرار می گیرد. استفاده از سرمایه های خارجی به روش های قرضی (استقراضی) و غیر قرضی (سرمایه گذاری) صورت می پذیرد:

الف) روش های قرضی (استقراضی):

در این روش کشور سرمایه پذیر وامی را از کشور یا موسسه وام دهنده دریافت می کند و موظف است در سررسید های مقرر اقساط بازپرداخت آن را به وام دهنده بپردازد. در این نوع روشها کشور یا بانک وام دهنده هیچ گونه ریسکی را نمی پذیرد و تمام ریسک ها متوجه کشور وام گیرنده است، انواع تامین مالی به این روش شامل موارد زیر می باشد.

فاینانس (Finance):

فاینانس در لغت به معنی «مالیه» یا تامین مالی واز جمله روشهای رایج تامین مالی پروژه های توسعه ای و ملی می باشد. در این روش، بین کشور سرمایه پذیر و کشور سرمایه گذار قراردادی منعقد می شود که بر اساس آن نیروی انسانی متخصص، تکنولوژی، ماشین آلات و تجهیزات، مواد اولیه و توان ارزی طرح یا پروژه توسط کشور سرمایه گذار تامین شود و زمانی که طرح یا پروژه به بهره برداری رسید بر اساس میزان سرمایه گذاری و بهره توافق شده، سرمایه پذیر متعهد می گردد که کل قیمت تمام شده طرح یا پروژه را به صورت اقساطی در اختیار کشور سرمایه گذار قرار دهد.

فاینانس برای وامهای بلند مدت به کار می رود، در خرید ماشین آلات و تجهیزات به منظور راه اندازی کارخانه ها یا سدها و غیره که نیاز مالی به مبالغ قابل توجه ای دارند، از فاینانس استفاده می شود. بدین ترتیب در مواقعی که فروشنده کالا حاضر به قبول اعتبار اسنادی مدت دار نمی گردد و خریدار به خاطر فقدان نقدینگی قادر به افتتاح اعتبار اسنادی نمی باشد معمولاً

خریدار از یک موسسه مالی درخواست می کند که وارد معامله شود و وجه معامله را به فروشنده نقداً پرداخت کند. این تسهیلات معمولاً بلند مدت است. قرارداد این نوع اعتبارات در صورت وجود خط اعتباری فعال، بین بانک ایرانی و خارجی (اعتبار دهنده) و تحت نظارت بانک مرکزی منعقد می شود. فروشنده خارجی از طریق یک بانک (یا یکی از شرکتهای وابسته و موسسات مالی خود که فعالیت بانکی دارد)، تامین مالی می نماید. خریدار باید به هنگام گشایش اعتبار اسنادی طبق مقررات بانک مرکزی بین ۱۵٪ تا ۲۰٪ وجه فاکتور فروش را نقداً بپردازد و بقیه ۸۰٪ بدهی تامین مالی را بپذیرد و از نظر فروشنده/ ذینفع، این نوع اعتبار دیداری (نقدی) می باشد.

ذکر این نکته ضروری است که فاینانس همان وام فروشنده است که در سالهای قبل از ۱۳۵۷ نیز در ایران برای عملیات سد سازی و نیروگاه سازی استفاده می گردید. در این معاملات ابتدا خریدار با همکاری فروشنده خارجی با یک بانک تامین کننده منابع مالی شرایط استقراض از طریق فاینانس را تعیین می کنند، سپس مجوز قانونی گشایش اعتبار اسنادی از طریق فاینانس را دریافت می دارد (در اکثر موارد بانک خارجی یک تضمین از بانک مرکزی یا سیستم بانکی می خواهد) و خریدار ایرانی تضمین کافی نزد بانک ایرانی در مقابل کل مبلغ ارائه می دهد.

در روش اعتبار اسنادی پشت به پشت (bach to back l/c) که نوعی دیگر از روشهای فاینانس می باشد از دو اعتبار جدا از هم استفاده می شود. اعتبار اول به نفع ذینفع گشایش می یابد که خود به هر دلیلی قادر به تهیه و ارسال کالا نیست. به همین جهت با اتکا بر اعتباری که به نفع وی گشایش یافته است اعتبار دیگری برای فروشنده دوم (ذینفع دوم) که میتواند کالا را تهیه و ارسال کند، از طرف ذینفع اول گشایش می یابد.

ریفاینانس (Refinance):

به موجب بخشنامه شماره ۶۰/۱۱۱۳ مورخ ۱۳۸۳/۶/۳۱ بانک مرکزی، استفاده از خطوط اعتباری کوتاه مدت بین بانکی حداکثر یکساله جهت گشایش اعتبارات اسنادی بابت واردات کالا را اصطلاحاً "ریفاینانس گویند".

کلیه وارد کنندگان کالا و خدمات می توانند اقدام به گشایش اعتبارات اسنادی با استفاده از خطوط اعتباری بین بانکی نمایند. ریفاینانس نوعی گشایش اعتبار اسنادی می باشد که فروشنده/ ذینفع در زمان معامله، طبق شرایط اعتبار وجه اسناد را به صورت نقد از بانک کارگزار دریافت می نماید و خریدار با توجه به قرارداد منعقد شده با بانک، در زمان تعیین شده در قرارداد اقدام به پرداخت وجه اسناد می نماید. حداکثر مهلت خریدار برای پرداخت وجه اسناد یک سال می باشد.

وارد کننده ایرانی می تواند نسبت به خرید کالا به صورت مدت دار اقدام نماید و وجه کالای وارداتی را بصورت اقساطی پرداخت نماید. در حالیکه فروشنده، وجه کالای خود را به صورت نقدی در زمان ارائه اسناد حمل دریافت می نماید.

یوزانس (Usance):

یوزانس در لغت به معنی فرجه، مدت، بهره پول، مهلت و وعده پرداخت آمده است و در عرف تجارت بین الملل به معنای نسیه تضمین شده است و در اصطلاح سرمایه گذاری به معنی توافق بر پرداخت قیمت فناوری، تجهیزات و خدمات دریافت شده در قبال ارایه برات مدت دار می باشد. هزینه یوزانس بهره ای است که خریدار کالا، علاوه بر قیمت کالا بابت مهلتی که برای پرداخت به وی داده است در سر رسید باید بپردازد.

یوزانس اعتباری است که وجه اعتبار بلافاصله پس از ارایه اسناد از سوی ذینفع، پرداخت نمی شود بلکه پرداخت وجه آن، بعد از مدت تعیین شده صورت می گیرد. در واقع فروشنده به خریدار مهلت می دهد که بهای کالا را پس از دریافت و فروش آن بپردازد. معامله یوزانس معمولاً در کشورهایی انجام می گیرد که کمبود ارز دارند. معمولاً در اعتبار اسنادی مدت دار عبارت after Bill of Lading ذکر می شود. که مفهوم یک L/C مدت دار ۹۰ روزه با عبارت فوق این است که زمان شروع این ۹۰ روز همان زمان صدور بارنامه (B/L) می باشد. البته شرایط دیگری نیز هست از جمله، زمان صدور برگ سبز گمرکی و ... در اعتبار اسنادی یوزانس، بهره متعلق به سازنده (فروشنده) کالا می باشد. به این صورت که فروشنده درصد مشخصی را که مورد تأیید خریدار است به مبلغ فروش کالا اضافه می کند و اصل و فرع مبلغ را هنگام سر رسید مطالبه می نماید.

اما در اعتبار اسنادی به شکل ریفاینانس بانک تقبل می کند که در موعد مقرر، معادل قیمت کالا را از طرف خریدار پرداخت نماید و بعداً اصل و فرع آن را از خریدار دریافت نماید. در چنین شرایطی، بهره متعلق به بانک است.

در مواقعی که کشورها به کالاها یا خدمات خاصی احتیاج ضروری دارند و فروشندگان و پیمانکاران خارجی از فروش به صورت یوزانس خودداری می کنند، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با برخی از بانکهای خارجی اقدام به انعقاد قرارداد می نماید تا بانک مذکور، در روز معامله اسناد نسبت به پرداخت وجه اسناد به ذینفع اعتبارات اسنادی گشایش شده توسط بانکهای ایرانی اقدام نمایند. بانکهای فوق الذکر براساس قرارداد در سر رسید (پایان دوره یوزانس) مبلغ

اعتبار پرداختی به علاوه بهره یوزانس را از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دریافت می‌دارند. به این نوع یوزانس اصطلاحاً یوزانس داخلی گفته می‌شود.

تفاوت روش فاینانس با روش یوزانس در این است که در روش فاینانس تنها بحث تامین مالی و دریافت پول به صورت وام مطرح است، در حالی که در روش یوزانس بحث کالا، خدمات و یا دانش فنی نیز وارد شده و در واقع این فناوری‌ها از کشور یا موسسه خارجی خریداری می‌گردد. با توجه به نرخ بهره و تنظیم نرخ محصول توسط وام‌دهنده، این روش بسیار پرهزینه است. تفاوت یوزانس داخلی با یوزانس در این است که در یوزانس داخلی بانک مرکزی فاینانسر را انتخاب و با آن قرارداد منعقد نموده است یا به عبارت مصطلح از خطوط اعتباری که بانک‌های خارجی در اختیار بانک مرکزی گذاشته‌اند برای تأمین مالی خرید و واردات کالا استفاده می‌شود.

اعتبار خریدار (Buyer's Credit):

اعطای تسهیلات به خریداران یا کارفرمایان خارجی جهت خرید کالا و خدمات ایرانی در چارچوب قرارداد تأمین مالی را اعتبار خریدار می‌نامند.

این نوع تسهیلات با هدف فراهم نمودن امکان فروش مدت دار کالا و خدمات اعطاء می‌گردد. خریدار/ کارفرمای خارجی تمایل دارد وجه کالا یا خدمات دریافتی را به صورت مدت دار بپردازد در حالیکه فروشنده پیمانکار ایرانی ترجیح می‌دهد وجه مربوطه را بصورت نقدی دریافت کند. در اینجا بانک می‌تواند بصورت واسطه مالی ایفای نقش نماید. وجه مربوط را به فروشنده/ پیمانکار ایرانی بصورت نقدی پرداخت و در سررسید(های) مقرر از خریدار/ کارفرمای خارجی و یا بانک ایشان دریافت می‌کند.

این تسهیلات به خریداران خارجی کالا و خدمات ایرانی که حداقل ۶۰٪ ارزش آن کالا ساخت ایران و یا ۶۰٪ ارزش آن خدمات توسط متخصصان ایرانی قابل ارائه باشند، پرداخت می‌شود به این ترتیب که پس از صدور کالا یا خدمات مورد نظر، بانک از جانب خریدار خارجی یا بانک وی حداکثر ۸۵٪ ارزش سیاهه تجاری را به صادرکننده ایرانی پرداخت می‌نماید و خریدار خارجی یا بانک وی وجه مربوطه را علاوه بر سود متعلقه در سررسیدهای مقرر به بانک بازپرداخت می‌نماید. تفاوت آن با ریفاینانس این است که در اعتبار خریدار، خریدار خارجی تأمین مالی می‌گردد و در ریفاینانس خریدار ایرانی تأمین مالی می‌گردد. اجرای این روش تامین مالی به منظور افزایش صادرات محصولات یا خدمات به سایر کشورها صورت می‌پذیرد.

در "اعتبار خریدار" کالا یا خدمات توسط فروشنده ایرانی صادر می گردد. در "ریفاینانس" کالا توسط خریدار ایرانی وارد می شود.

وام های بین المللی (Loans International):

این روش به برقراری مشروط و مشخص برای استفاده از وام و اعمال کنترل موسسه وام دهنده بر نحوه هزینه شدن وام در زمان اجرای پروژه بر می گردد در این گونه موارد می بایست مطالعات امکان سنجی الزام شده توسط وام دهنده به انجام رسیده و توجیه فنی و اقتصادی پروژه مورد قبول وی قرار گیرد. این روش با روش فاینانس یک تفاوت عمده دارد و آن هم به برقراری مشروط و مشخص برای استفاده از وام و اعمال کنترل موسسه وام دهنده بر نحوه هزینه شدن وام در زمان اجرای پروژه بر می گردد.

این دسته از روشهای تامین مالی پروژه ها خود دارای دو شکل است:

- ۱) کشور یا موسسه وام دهنده هیچ گونه شرطی را برای نحوه ی مصرف وام پرداختی قرار نمی دهد و در واقع فاز تأمین مالی از فاز اجرایی آن کاملاً جدا است.
- ۲) کشور یا موسسه وام علاوه بر اعطای وام، به نحوه هزینه شدن آن نیز نظارت کامل داشته و نوع مصرف را از ابتدا با وام گیرنده شرط می کند.

ب) روشهای غیر قرضی (سرمایه گذاری):

در روش سرمایه گذاری تامین کننده ی منابع مالی (سرمایه گذار) با قبول ریسک ناشی از به کار گیری منابع مالی در فعالیت یا طرح مورد نظر، برگشت اصل و سود منابع سرمایه گذاری شده را از عملکرد اقتصادی طرح انتظار دارد. استفاده از روش های سرمایه گذاری به صورتهای زیر انجام می گیرد:

- ۱) سرمایه گذاری مستقیم
- ۲) سرمایه گذاری غیر مستقیم
- ۳) تجارت متقابل

سرمایه گذاری مستقیم (Direct Investment):

منظور از سرمایه گذاری مستقیم خارجی، مشارکت یک یا چند سرمایه گذار خارجی در سهام ثبت شده یک موسسه داخلی است که حق و حقوقی را برای سرمایه گذار ایجاد می کند. این نوع از سرمایه گذاری دارای مزایا و معایب مختلفی است. از جمله مزایای این روش برای دریافت کننده سرمایه عبارت است از: انتقال دانش فنی، افزایش توانمندی نیروی انسانی، مشارکت در سود و زیان، اشتغال زایی، عدم نیاز به سپردن تعهد مالی، کسب تجربه های مدیریتی

و ... در عین حال با توجه به این که معمولاً کشورهای سرمایه گذار به انحای مختلف سعی در بالابردن سود خود و صرف کمترین هزینه و انتقال کمترین دانش ممکن را دارند، کشور سرمایه پذیر باید در تمام مراحل بسیار با دقت عمل نماید.

انواع روشهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی عبارت اند از: **تملك يا خريده، ايجاد شعبه فرعی از شرکت، سرمایه گذاری مشترک، مشارکت در تولید، مشارکت زمانی و مشارکت در سود.**

سرمایه گذاری غیر مستقیم (Indirect Investment):

در این نوع از سرمایه گذاری، کشور یا موسسه خارجی از طریق اوراق بهاداری نظیر سهام، اوراق قرضه بلندمدت، اوراق مشارکت بین المللی و ... در تامین مالی پروژه مشارکت می نماید. تفاوت این روش با سرمایه گذاری مستقیم در این است که در اینجا سرمایه گذار در روند اجرای پروژه دخیل نشده و نظارتی ندارد و از نظر مالی تیز تعهداتی نمی سپارد؛ تنها در صورت سود یا زیان پروژه، بر اساس سهم الشراکه داده شده، سود دریافت می کند.

تجارت متقابل (Counter trade):

این نوع سرمایه گذاری که به آن معاملات متقابل نیز می گویند، مجموعه ای از روشهای تجاری است برای توسعه تجارت که در این معاملات صادرکننده (واردکننده) متعهد می گردد در قبال کالاهایی که به کشور دیگر صادر (وارد) می کنند، یا موسسه سرمایه گذار در قبال فراهم سازی منابع نقدی (سرمایه لازم برای خرید تجهیزات و نیروهای تولید) و غیر نقدی (تجهیزات، تکنولوژی، دانش فنی و ...) مورد نیاز برای اجرای پروژه، کالای مرتبط یا غیر مرتبط با کالای اولیه را وارد (صادر) نماید. یا موسسه سرمایه گذار اصل سرمایه (مالی و غیر مالی) خود را به همراه سود انتظاری از محل محصولات یا خدمات تولیدی همان پروژه یا طرح های داخلی دیگر و یا در برخی موارد به صورت معادل ارزی آن دریافت نماید. و مهمترین روش های تجارت متقابل عبارت اند از:

معاملات تهاتر (Barter): مبادله مستقیم کالاها بدون انتقال پول.

خرید متقابل (Counterpurchase): قرارداد جداگانه ای است که از یک سو بر فروش کالا و از سوی دیگر بر تعهد صادرکننده به خرید از طرف تجاری خود تاکید می نماید.

افست (Offset): صادر کننده تجهیزات (غالباً هواپیمایی و نظامی) تعهد می نمایند که قطعات مورد استفاده در این تجهیزات یا محصولاتی دیگر از کشور واردکننده خریداری نموده یا موجبات خریداری آنها را فراهم نمایند.

بیع متقابل (Buy Back): یکی از شیوه های رایج معاملات و تجارت متقابل در دنیا است که در آن سرمایه گذار خارجی منابع مالی نقدی و غیر نقدی (ماشین آلات، تجهیزات تولیدی یا یک کارخانه کلی) را جهت توسعه و یا نوسازی بنگاه اقتصادی سرمایه پذیر در اختیار بنگاه قرار می دهد و در مقابل محصولاتی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به وسیله تسهیلات تولید شده، بابت تمام یا بخشی از بهای تسهیلات در مدت زمانی مشخص دریافت می شود.

اوراق قرضه (Bonds): ورقه بدهی می باشد که خریدار آن به عنوان طلبکار شرکت محسوب می شود و شرکت متعهد است بهره آن را در موعد مقرر و اصل آن را در سررسید پرداخت نماید.

جبران (Compensation): بهای کالای صادر شده (تجهیزات و ماشین آلات و ...) باید به وسیله واردات کالا از آن کشور جبران گردد.

قراردادهای ساخت، بهره برداری و انتقال (B.O.T)

نوعی قرارداد ساخت است که بر اساس آن بخش خصوصی با دریافت مجوز از بخش دولتی یا عمومی اقدام به طراحی، تامین مالی، تامین کالا، ساخت و بهره برداری یک پروژه یا مجموعه ای از چند پروژه برای مدت زمان مشخصی می نماید و پس از اتمام زمان مورد نظر مالکیت تاسیسات مورد نظر به مالک که همان دولت یا بخش عمومی است برگردانده می شود. در طول مدت بهره برداری مورد اشاره بخش خصوصی مجاز است با اعمال عوارض، اجاره بها، فروش محصولات، رهن و ... به نحو مناسب از استفاده کنندگان از تاسیسات مبالغی را دریافت و هزینه های ساخت، بهره برداری، تعمیرات و سود سرمایه خود را بازیافت نماید. مراحل مختلف پروژه را به صورت ذیل می توان شرح داد:

- **ساخت:** مقوله ساخت مرحله ای همچون تامین مالی، طراحی، مدیریت پروژه، تامین کالا و عملیات نصب و راه اندازی را در بر می گیرد.
- **بهره برداری:** امور پس از ساخت همچون بهره برداری، تعمیر و نگهداری، فروش محصولات یا خدمات (بسته به نوع پروژه) و دریافت پول بابت ارائه محصول یا خدمت در این بخش دیده می شوند.

▪ **انتقال:** انتقال مالکیت به کارفرما پس از موعد مقرر قرارداد به صورت سالم و در حال کار طبیعت قرارداد:

همان گونه که پیشتر ذکر شد این نوع قرارداد برای پروژه های عمومی و با به کارگیری نوعی از تامین مالی خصوصی تعریف می شود. نفس به کارگیری سرمایه بخش خصوصی به وسیله بخش دولتی یا عمومی محیط قرارداد را پرچالش می کند. وجود این چالشها زاینده ی شرایط پیچیده پروژه های (ساخت، انتقال، بهره برداری) است. به عنوان مثال زمان اجرای قرارداد در این نوع مشارکت معمولا زیاد و گاه تا بیش از بیست سال است. اطاله زمان زمینه را برای بروز مشکلات فیمابین مستعد تر می کند. از طرفی هزینه های اولیه پروژه معمولا بسیار زیاد است. زیرا در ابتدای پروژه در آمد و یا پرداختی وجود ندارد و حامی مالی طرح باید با پذیرش ریسک کلیه هزینه ها را راسا پردازد و از آنجا که این نوع قرارداد برای تاسیسات زیربنایی است مبالغ هزینه ها نجومی است. عامل مهم دیگری که بر پیچیدگی فضای حاکم بر پروژه تاثیر مستقیم دارد تعدد بخشهای درگیر در پروژه و در نتیجه تعدد قراردادهای منعقد شده بین طرفهای مختلف است که اجرای آنها را به یکدیگر وابسته نموده و تداخل و تضاد منافع را سبب می شود.

ملزومات مورد نیاز قراردادهای BOT :

برای پیدایش قراردادی از نوع ذکر شده وجود سه عامل ضروری است: **اول:** وجود مفهومی یک پروژه قابل اجرا با توجیه اقتصادی و نیاز محسوس **دوم:** وجود قصد و اراده ی کافی در مجموعه دولت یا بخش عمومی برای صدور مجوز های لازم و امضای تفاهم نامه ها و قرارداد های مرتبط با اجرای پروژه و تضمین امنیت سرمایه گذاری **سوم:** حامیان مالی و سرمایه گذارانی که راضی شوند ریسکهای مختلف اجرای پروژه را پذیرفته و تا به سرانجام رسانیدن پروژه دست از حمایت مالی برندارند. موارد اول و دوم معمولا وجود دارند چون بدون آنها فلسفه وجودی قراردادها زیر سوال است اما مشکل اصلی بر سر مورد سوم است.

معمولا اقناع بانکهای بین المللی و شرکتهای سرمایه گذاری کار ساده ای نیست. اگر چه رشد اقتصادی کشورها و نیاز روز افزون جوامع به پروژه های زیربنایی همچون بزرگراه ها، نیروگاه های تولید برق، مترو، فرودگاه ها و تاسیسات فرآوری سوختهای فسیلی در سالیان اخیر مشوقهای کافی را فراهم کرده است اما ریسکهای عمومی پروژه ها که بعدا به آن خواهیم پرداخت همچنان نقش بازدارنده را برای برخی کشورها بازی می کنند. نکته بسیار مهم و جالب در تامین مالی این

گونه پروژه ها این است که سرمایه گذار خارجی به شخص وام گیرنده و اعتبار او کمتر نگاه می کند بلکه بیشتر توجه خود را به خود پروژه معطوف می دارد و اینکه آیا این پروژه آن قدر مهم و درآمزا هست که بتواند هزینه های خود را بازپس دهد؟ همین امر اهمیت مورد اول ذکر شده فوق یعنی کارشناسی بودن پروژه های تعریف شده را نمایان می سازد.

عوامل دخیل در BOT :

در اجرای این نوع پروژه ها عوامل و بخشهای مختلفی درگیرند که فهرست وار به بررسی آنها می پردازیم:

بخش دولتی: وجود بخش دولتی به دلایل مختلف حیاتی و محوری است. نخست اینکه دولت باید مجوز لازم را برای اجرای چنین پروژه ای در محدوده تحت حاکمیت خود صادر نماید. ثانياً باید بپذیرد که زمین مورد نظر پیمانکار را برای مدت معین در اختیار او قرار دهد و نهایتاً اینکه در بسیاری موارد تعهد نماید که بخش قابل توجهی از محصولات و خدمات تولید شده را خریداری نماید. نتیجتاً بخش دولتی اولین و مهمترین عضو پیکره ی این گونه قراردادهاست و تفکر ایجاد پروژه و مناقصه گذاری از آن آغاز می گردد.

حامیان مالی: حامی مالی پروژه معمولاً مجموعه ای از سرمایه گذاران، بانکها و پیمانکاران بین المللی هستند که با سهم مشخص به دنبال یافتن پروژه های سود ده برای اجرا هستند. این مجموعه ها که در اشکال مختلف کنسرسیوم جوینت ونچر و ... وجود دارند در پاسخ به مناقصات بین المللی پیشنهادات خود را ارائه می دهند.

پیمانکار ساخت: عامل دیگری است که معمولاً امروزه در قالب قراردادهای عمومی (EPC) به طراحی، تامین کالا و ساخت پروژه های کلان اقدام می نمایند. با تغییر قالب بنگاههای اقتصادی دنیا، امروزه در بسیاری موارد خود این پیمانکاران نیز جزئی از حامیان مالی پروژه بوده و علاوه بر استفاده از مزایای پیمانکاری، شانس برخورداری از بخشی از سود پروژه را نیز نصیب خود می کنند. ضمن اینکه اسپانسرهای پروژه نیز از این شرایط استقبال می کنند زیرا از طرفی مسئولیت خود را در پذیرش ریسک محدودتر می کنند و از طرف دیگر پیمانکار چون در پروژه ذینفع است در زمان و کیفیت کار حداکثر تلاش خود را به کار می برد.

پیمانکاران بهره برداری و تعمیرات: این دسته از پیمانکاران هم در مرحله بعد از ساخت به پروژه می پیوندند اگر چه مانند مورد پیش گفته می توانند در تامین مالی نیز سهیم باشند. سایر ارکان پروژه علاوه بر موارد قبلی مشاورین، مهندسین طراح، سازندگان قطعات و کالاها، تامین کنندگان خدمات، بیمه گزاران، پیمانکاران فرعی و همه کسانی که به نوعی متاثر از پروژه هستند در موفقیت و شکست پروژه ها دخیل هستند. در شرایط پیچیده امروزی به وفور دیده شده است که این اجزا یعنی حتی خود بیمه گزاران و تامین کنندگان کالا نیز در پروژه سرمایه گذاری می کنند. شاید این امر موجب پیچیدگی پروژه و گاه تنشهای بیشتر باشد اما به نحو قابل تحسینی در تقسیم ریسکها موثر بوده و در نهایت به نفع پروژه است.

تقسیم ریسک در BOT :

ریسکهای مترتب بر پروژه بین بخشهای مختلف بسته به میزان دخالت آنها در پروژه تقسیم می شود. معمولاً پس از مشخص شدن پروژه و حدود آن ریسکهای آن از طرف اسپانسر بررسی و مشخص می شود. سپس احتمال وقوع هر کدام و میزان تاثیر و ضربه ی آن بر پروژه پیش بینی شده و در نهایت اسپانسر براساس منافع پروژه و شرایط و محدودیتهای حاکم، به توزیع آن در میان طرفهای درگیر می پردازد. هدف در مطالعات ریسک این است که هر ریسک را به نحوی توزیع و مدیریت نمایند که به بهترین وجه و با کمترین هزینه کنترل شود. زیرا وقوع ریسکها در عالم واقع شکست و یا تاخیری را در پی دارد که ضرر همه ی طرفها را در پی دارد. نکته مهم این است که توزیع ریسک باید حساب شده باشد به نحوی که اگر میزان انتفاع فرد یا بخشی از موفقیت پروژه بیشتر از سایرین است منطقی است که ریسکها را به مدیریت ریسک را به عهده بگیرد. ریسکهای یک پروژه BOT به دو گروه ریسکهای عمومی و ریسکهای اختصاصی تقسیم می شوند که ریسکهای عمومی معمولاً قابل کنترل نبوده و اسپانسر یا پیمانکار آنچنان قادر به مدیریت آنها نیستند. در عوض می توان ریسکهای اختصاصی و فنی را با مدیریت کنترل نمود.